بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیا صحابه، ادرار پیامبر ﷺ را نوشیده‌اند؟!

بررسی حدیثی و عقلی شبهه‌ای که معاندین در این رابطه مطرح کرده‌اند...

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»

آیا صحابه، ادرار پیامبر ﷺ را نوشیده‌اند؟!

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»



no-atheism.net | no_atheism | fb/islamway1434 | no_atheism | aparat/asteira

بسم الله الرحمن الرحیم

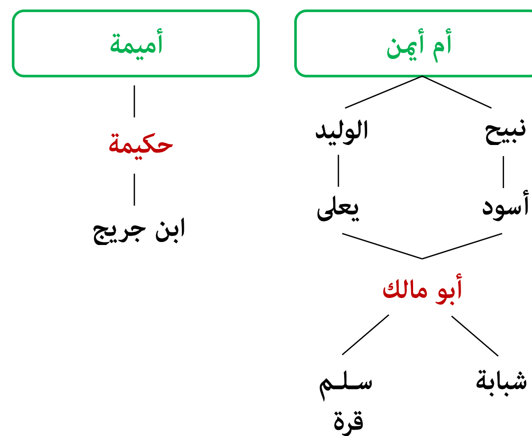
آیا صحابه، ادرار پیامبر ﷺ را می‌نوشیده‌اند؟!!
شبهه‌ای از سوی معاندین مطرح شده که از چندین جهت محل اشکال است و هرچه بیشتر در آن بنگریم، زوایای بیشتری از ضعف آن برایمان هویدا می‌گردد. ابتدا باید به بحث در اسانید مورد استشهاد معاندین بپردازیم، آنگاه بیان کنیم که هیچ تفاوتی میان آنچه ما سابقاً مطرح کرده بودیم (مدفوع‌خواری نزد اهل الحاد) و آنچه در حدیث آمده، وجود ندارد!

اولاً. حدیث وارده ضعیف است و در اصل از دو طریق آمده، اما با توجه به خطاهای واقع در سند، گروهی گمان کرده‌اند که اسانید بیشتری وجود دارند:
۱) حدیث أم‌أیمن[۱] **ؓ:** مدار حدیث أم‌أیمن ؓ بر أبی‌مالک نخعی است که در نقل حدیث خطا کرده و دچار اضطراب شده است؛ در روایت شبابه از أبی‌مالک، روایت از طریق أسود بن قیس، از نبیح عنزی از أم‌أیمن آمده، اما در روایت سلم بن قتیبه و قرة بن سلیمان، أبو مالک آن را از یعلی بن عطاء، از ولید بن عبد الرحمن، از أم‌أیمن روایت می‌کند، و أبو مالک ضعیف است[۲] و اضطراب هم از جهت اوست.[۳] اما آنچه در بعضی کتب آمده و جای «أبو مالک» با «حسین بن حریث»[٤] یا «حسن بن حرب»[٥] عوض شده، اشتباه است و صحیح همان أبو مالک است که الدارقطنی و دیگران ذکر کرده‌اند. از طرفی باید گفت که أبو مالک متروک است و احتمال تعدد اسانید از کسی چون او نمی‌رود، برای همین امر حمل بر اضطراب او در روایت شده و در نتیجه روایت منقول از أم‌أیمن ؓ صحیح نیست، بلکه ضعیف است.[٦]

---

۱. گفته شده که اسم ایشان «برکة» بوده، خادم پیامبر ﷺ بوده‌اند و پنج ماه پس از وفات پیامبر، وفات کرده‌اند.
۲. أبو مالك نخعی واسطی از طبقه‌ی هفتم می‌باشد، گفته شده که نامش عبد الملک بن حسین است، و گروهی نام او را عبادة بن الحسین یا ابن أبی الحسین نیز گفته‌اند (تهذیب الکمال، ج ٣٤، ص ٢٤٧)، ابن معین فرموده که «او چیزی نیست!»، امام بخاری می‌فرماید «نزد آنان قوی نیست» و أبو زرعه، أبو داود، أبو حاتم و الدارقطنی او را ضعیف می‌دانند، و همچنین ازدی و نسائی او را متروک گفته‌اند. (میزان الاعتدال، ج ٢، ص ٦٥٣؛ تهذیب التهذیب، ج ١٢، ص ٢١٩)، و حافظ ابن حجر در تقریب التهذیب او را متروک دانسته‌اند. (تقریب التهذیب، ص ٦٧٠)
۳. علل الدارقطني، دار طيبة، ج ١٥، ص ٤١٥
٤. در سندی «حسین بن حریث» از «یعلی بن عطاء» روایت کرده و سماع ابن حریث از یعلی محال است؛ زیرا ابن عطاء در سال ١٢٠ و ابن حریث در سال ٢٤٤ وفات کرده است!
٥. و در بعضی کتب به جای «حسن»، «حسین» آمده و این نیز درست نیست، و جالب است که محقق کتاب المطالب العالية می‌گوید: «در اسنادش حسن بن حرب آمده که نتوانستم او را بشناسم!» (المطالب العالية، دار العاصمة، ج ١٥، ص ٥٨١)
٦. حافظ ابن حجر خود این طریق را تضعیف کرده و ظاهراً اختلافی در تضعیف این طریق وجود ندارد و کسانی که حدیث را تحسین کرده‌اند، آن را به انضمام طریق دوم تحسین کرده یا آنکه نزاعشان در ضعیف‌بودن یا

۲) طریق أميمة بنت رقيقة ﵂: روایت از طریق حکیمه از ایشان آمده است و حکیمه مجهول است و توثیق معتبری برایش نیست[۷] و جز به روایت این حدیث شناخته نمی‌شود؛ حافظ ابن کثیر این اسناد را مجهول دانسته[۸] و علامه حوینی آنگاه که در این طریق بحث کرده، فرموده است: «حكيمة بنت أميمة همان‌گونه که حافظ در تقریب فرموده، شناخته‌شده نیست و ذهبی در میزان فرموده است: "ابن جریج در روایت از او انفراد کرده است" و این نشان می‌دهد که حکیمه مجهول‌العین می‌باشد و آمدن او در الثقات ابن حبان موجب اعتماد نیست... پس علت و ایراد این حدیث، مجهول‌بودن حکیمه می‌باشد.»[۹]



علاوه بر این، علامه رحیبانی، مفتی حنبلی این روایت را تضعیف کرده[۱۰] و شیخ محمد المنجد[۱۱] و شیخ خالد الرفاعی[۱۲] نیز روایات گذشته را ضعیف دانسته‌اند و شیخ البانی با آن‌که معتبردانستن حدیث[۱۳] را به ایشان نسبت داده‌اند، قسمت مربوطه را تحسین نکرده و لفظی مانند آن را در

نبودن طریق دوم بوده است، می‌فرماید: «أبو مالک ضعیف است و نبیح، أم‌أیمن را ندیده و ادراک نکرده است.» (التخيص الحبير، دار الكتب العلمية، ج ۱، ص ۱۷۱)

۷. حافظ ذهبی در ترجمه‌ی او فرموده است: «او شناخته‌شده نیست» (میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۸۷) و حافظ ابن حجر فرموده است: «شناخته نمی‌شود» (تقریب التهذیب، ص ۷۴۵)

۸. الفصول في السيرة، مؤسسة علوم القرآن، ص ۳۰۷

۹. بذل الإحسان، مكتبة التربية الإسلامية، ج ۱، صص ۳۱۰-۳۰۹

۱۰. مطالب أولي النهى، المكتب الإسلامي، ج ۵، ص ٤٠

۱۱. موقع الإسلام سؤال وجواب، رقم ۱۸۱۷۷٦

۱۲. موقع Islamway، رقم ۳۱۷۰۱

۱۳. اصل حدیث نزد امام ابی داود در سنن آمده و سخن از قراردادن ظرفی برای ادرار است و ذکری از نوشیدن ادرار وجود ندارد و برای این همین شاهدی از حدیث أم‌المؤمنین عائشه ﵂ نیز وجود دارد، بنابراین اگر کسی اصل حدیث را حسن قرار داده و زیاده‌ی مربوط به نوشیدن ادرار نقل نکرده، نمی‌توان به تحسین او احتجاج کرد!

حدیثی دیگر شاذ دانسته‌اند.[١٤] همچنین علامه ابن باز به صحت این روایات جزم نکرده و فرموده‌اند: «صحت این روایت جای بحث دارد و باید سندهای این قصه را بررسی نمود، اگر صحت باشد، پس این استثناء محسوب می‌گردد.»[١٥]

همچنین معلوم است که اگر چنین اتفاقی رخ داده بود، امر آن میان صحابه منتشر می‌شد و در نتیجه راویان بسیاری آن را نقل می‌کردند، پس وقتی چنین نشده، چنین چیزی قرینه‌ی بر عدم وقوع این اتفاق است.

ثانیاً. اشکال اسلام‌ستیزان وارد نیست؛ کسانی که این قصه را معتبر شمرده یا حکم به طهارت ادرار پیامبر ﷺ داده‌اند[١٦]، در عین حال این مورد را از خصائص آن حضرت و استثنائی برشمرده‌اند، پس آنان ادرار پیامبر ﷺ را مانند ادرار دیگر مردمان ندانسته‌اند، اما اشکالات سابق مجموعه‌ی «رد شبهات ملحدین» به کسانی بوده که میان مدفوع و ادرار هیچ‌یک از افراد بشر تفاوتی قائل نبوده‌اند و با این حال به ترویج رسانه‌ای مدفوع‌خواری و ادرارنوشی پرداخته و با آن داستان‌ها و فیلم‌ها ساخته‌اند! بنابراین نمی‌دانیم چه ارتباطی میان این دو قضیه وجود دارد، مگر اینکه بگوییم اسلام‌ستیزان از بس دست‌شان خالیست که به هر چیزی برای دفاع از خود تشبث می‌کنند، که این حال افراد در حال غرق است، والحمد لله ربّ العالمین.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»

---

١٤. سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة، دار المعارف، ج ٣، ص ٣٣٠
١٥. فتاوى نور على الدرب لابن باز، ج ٢، ص ١٦٣
١٦. این قول، قول تمام فقهاء نیست و امام نووی شافعی خلاف آن را به جمهور نسبت داده‌اند. (بنگرید به: المجموع شرح المهذب، ج ١، ص ٢٣٤)، مراد شیخ از استثناء، خصائص پیامبر ﷺ است که برای دیگران ثابت نشده و ایشان در آن با غیر خود تفاوت دارند، و همین مورد نیز اشکال معاندین را برطرف می‌سازد.